

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«تحوّل» در نرم‌افزار تمدنی انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: «تحوّل یعنی چه؟ تحوّل یعنی دگرگونی. میخواهیم چه چیزی دگرگون بشود و تغییر پیدا کند؟ مهم‌ترین مسئله این است. دشمنان نظام اسلامی هم میگویند دگرگونی، آنها هم دنبال دگرگونی هستند... آنچه دشمن دنبالش است و اسمش را دگرگونی میگذارد، عبارت است از تغییر هویت جمهوری اسلامی.» ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی نوروزی در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام (۱۴۰۲/۰۱/۰۱) با الهام از دعای «حوّل» حالنا إلى أحسن الحال» مسئله‌ی «تحوّل» را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های امروز جمهوری اسلامی مطرح فرمودند. جای این پرسش وجود دارد که آیا «تحوّل» صرفاً یک تاکتیک مقطعی است یا اینکه مسئله‌ای ریشه‌ای و برآمده از مبانی فکری ایشان است؟ با مروری بر گفتارهای پیشین معظّم‌له در این باب، میتوان گفت که از قضا یکی از کلیدی‌ترین واژه‌ها برای فهم حقیقت انقلاب اسلامی از منظر ایشان، همین مفهوم «تحوّل» است.

• حکومت اسلامی هم جهت با سنت الهی

در بنیادی‌ترین چهره، تحوّل یک «سنت الهی» در خلقت جهان و به‌ویژه در حیات اجتماعی است که «با آن سینه به سینه نباید شد؛ (بلکه) باید از آن استقبال کرد. آنچه مهم است این است که بتوانیم این تحوّل را چنان «مدیریت» کنیم که برای به‌روزی زندگی انسان به کار آید و به پیشرفت بینجامد.

در یک سطح بالاتر، این تحوّل در «فلسفه‌ی آفرینش انسان» اهمیت پیدا می‌کند. چرا که «در درون انسان، هم عناصر فرشتگی وجود دارد، هم عناصر سبّعیّت؛ "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ" یعنی استعداد علوّ و ترقّی و تعالی و استعداد تنزّل و سقوط، تقریباً شاید بشود گفت بی‌نهایت در افراد انسان وجود دارد. فلسفه‌ی آفرینش انسان این است که آن استعدادهای برجسته‌ی مثبت مفید و ممتاز از لحاظ ارزشهای الهی، با اختیار خود انسان و با مجاهدت انسانی، غلبه پیدا کند بر آن خصلتهای حیوانیت و سبّعیّت؛ که اگر این غلبه پیدا شد، آن وقت همان

استعدادهای حیوانی هم جهت‌گیری درستی پیدا خواهد کرد. «و اساس تشکیل حکومت اسلامی بخاطر این است که بستر این «تحول و صیروتِ درونی انسان به سمت فرشته‌خوئی» فراهم شود: «مسئله‌ی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی فقط این نبود و نیست که حالا یک کشوری در عداد کشورهای دیگر و در مسابقه‌ی با آنها قرار گیرد، از لحاظ پیشرفت مادی و پیشرفت علمی و پیشرفت نظامی و پیشرفت سیاسی؛ آنطوری که معمولاً سران کشورها دنبال آن هستند. مسئله‌ی اسلام و تشکیل حکومت در اسلام، مسئله‌ی یک صیروت است؛ یک تحول در اندرون انسانی است.»

• تحول پیوسته به مثابه هویت

اما آن فلسفه‌ی وجودی، چگونه در متن حیات انقلاب اسلامی تحقق پیدا می‌کند؟ برای پاسخ لازم است قدری به عقب برگردیم و تأملی در خود مفهوم «انقلاب اسلامی» داشته باشیم: «انقلاب» اساساً یعنی دگرگونی و در ادبیات سیاسی ما معنای آن «دگرگونی بنیادی» است؛ وصف اسلامیت هم در واقع جهت این دگرگونی را تعیین می‌کند. پس انقلاب اسلامی یعنی برچیدن حاکمیت طاغوت [غیر خدا] و جایگزین کردن پایه‌های حاکمیت الله به جای آن، به گونه‌ای که این تحول از بن و ریشه آغاز گردد و تا ساقه و میوه امتداد یابد. اما آیا می‌توان نقطه‌ای را تصور کرد که فرآیند این تحول و دگرگونی بنیادی خاتمه یابد؟ پاسخ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این پرسش منفی است:

«انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، یک عده‌ای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است؛ نه، این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیروت - یعنی حالی به حالی شدن، تحول - اصلاً حدّ یقف ندارد؛ هیچ‌وقت تمام نمیشود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است.

حرفه‌ایی یک عده [میزنند] - منبع این حرفها، به قول خودشان، اتاق فکرهای خارجی است، اینجا هم این حرفها را بعضی‌ها در روزنامه‌ها و در مجله‌ها و در حرفه‌های گوناگون خودشان رله میکنند و همانها را تکرار میکنند و به زبان

ایرانی آنها را بیان میکنند؛ [امّا منبع] حرف از آنجا است - که بله، انقلاب تمام شد. حالا یک نفر بی‌عقلی پیدا میشود بصراحت میگوید انقلاب را باید به موزه سپرد، بعضی‌های دیگر هم هستند این قدر بی‌عقل نیستند، به این صراحت نمیگویند، در پوشش این حرف را میزنند؛ جوری حرف میزنند که معنایش این است که انقلاب تمام شد؛ تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی. اصلاً قابل تبدیل نیست؛ جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت تحوّل دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد و آلا جمهوری اسلامی نیست؛ حکومت اسلامی نیست؛ [پس] انقلاب یک امر مستمر است.»

• آرمان‌ها تعیین‌کننده‌ی مسیر تحوّل

بنابراین انقلاب اسلامی از این منظر، عبارت است از یک «صیوروت و تحوّل دائمی، همه‌جانبه و مجموعی در جهت جریان توحید در همه‌ی شریان‌های حیات اجتماعی». اگر ذات انقلاب اسلامی امری پیوسته در حال تحوّل و دگرگونی و دائماً در حال «شدن» است، پس جوهر وجودی انقلاب اسلامی، با تحوّل و صیوروت درهم‌تنیده است.

این «صیوروت همه‌جانبه‌ی مجموعی» البته نباید باعث تغییر در هویت انقلاب شود، بلکه وحدت و هویت اصیل انقلاب در متن این صیوروت باید همواره ثابت باشد؛ نوعی «تحوّل در عین ثبات». اما آن مؤلفه‌ی اساسی و هویتی که اصالت انقلاب اسلامی را در این تحوّل پیوسته تأمین میکند چیست و چگونه می‌توانیم همواره سلامت و صحت حرکت انقلاب را بسنجیم و از آن مراقبت کنیم؟ پاسخ رهبر انقلاب به این پرسش با کلیدواژه‌ی «آرمان‌ها» شکل می‌گیرد.

جهت‌گیری اصلی، افق و آن غایتی که حرکت تحوّل‌ی انقلاب اسلامی به سمت آن است، ضامن سلامت و اصالت این حرکت است؛ این جهت‌گیری و افق در قالب «آرمان‌های انقلاب» تجلّی می‌یابد که معظّم‌له گاهی از آنها به «شعارهای انقلاب» تعبیر می‌کنند. آرمان‌ها، همان وجه ثبات انقلاب اسلامی هستند: «کاری که انقلاب در آغاز انجام میدهد، ترسیم آرمانها است؛ آرمانها را ترسیم میکند. البته آرمانهای عالی، تغییرناپذیرند؛ وسایل تغییرپذیر است، تحولات روزمره تغییرپذیر است؛ امّا آن اصول که همان آرمانهای اساسی است، تغییرناپذیر است؛ یعنی از اول خلقت بشر تا امروز، عدالت یک آرمان است؛ هیچ‌وقت نیست که عدالت از آرمان بودن بیفتد؛ آزادی انسان یک آرمان است - آرمانها یعنی این جور

چیزها- آرمانها را انقلاب تصویر میکند، ترسیم میکند، بعد آن وقت به سمت این آرمانها حرکت میکند. حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیبه» است.»

• «قیام الله» هویت تحول ذاتی انقلاب اسلامی

اما هویت این تحول و ضرورت دائمی که انقلاب اسلامی از آن برخوردار است و در افق «حیات طیبه» در حال شدن است، چیست؟ با توضیحات بالا روشن می‌شود که به چه دلیل در نگاه رهبر انقلاب، «تحول خواهی و تحول‌انگیزی» یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصوصیات حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه) است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بررسی مؤلفه‌های شخصیتی امام بزرگوار، این تحول خواهی و تحول‌آفرینی را از آن جهت دارای تأثیرات شگفت‌انگیز می‌داند که هویتش «قیام الله» است. نکته‌ی شگفت‌انگیز «تأثیر معجزه‌آسا»یی است که «قیام الله» می‌تواند در سرنوشت یک ملت داشته باشد و تجربه‌ی این اعجاز را ما در انقلاب اسلامی ایران زیسته‌ایم:

«برای نجات یک کشور، میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال لازم است: عوامل طبیعی، عوامل انسانی، عوامل بین‌المللی، عوامل سیاسی و اقتصادی. مجموعه‌ی این عوامل باید به کار بیفتند تا یک ملتی بتواند در زندگی خودش تحول ایجاد کند. این عوامل، دست ما انسان‌ها نیست و با اراده‌ی ما ارتباط مستقیمی ندارد؛ اما ما وقتی که «قیام الله» می‌کنیم، خدای متعال با یک حرکت ما هزاران و میلیون‌ها حرکت و فعل و انفعال را در فضای زندگی اجتماعی به وجود می‌آورد و تحول ایجاد می‌شود؛ عیناً مثل طبیعت. شما یک نهال کوچک را در خاک فرومی‌کنید - از شما فقط همین کار است. این، کار کمی است - اما این نهال با میلیون‌ها فعل و انفعال در خاک و در خود بافت گیاهی، در فضا و هوا به یک درخت بزرگ تبدیل می‌شود؛ شاخ و برگ می‌دهد؛ میوه می‌دهد و نسبت به آن وضعیت اول، صدها و هزارها برابر تغییر پیدا می‌کند. کار شما در مقابل آن همه فعل و انفعالات هیچ است؛ اما اگر شما همان کار کوچک را که نشاندهنده این نهال در زمین است، انجام ندهید، این همه فعل و انفعالات انجام نمی‌گیرد.»

امام «قیام الله» کرد و خودش با همه‌ی وجود وارد میدان شد. با فریاد خود، با تلاش خود، با قبول زحمات، ملت را پای کار آورد. با این حرکت و با این عزم راسخ، خداوند متعال آن میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال را بر این حرکت مترتب کرد و آنچه اتفاق افتاد، به یک معجزه شبیه بود؛ یعنی تشکیل نظام مبتنی بر اسلام در یک نقطه‌ی حساس؛ به خاطر

این حرکت امام، که البته آماج دشمنی و کینه‌ی همه‌ی صاحبان زور و زر در سرتاسر عالم است؛ اما برخلاف نظر آن‌ها، این حقیقت تحقق پیدا کرد.» بنابراین هویت این صیورورت ذاتی انقلاب در مسیر تمدن نوین اسلامی عبارت است از «قیام الله.»

به قلم اساتید: حجت‌الاسلام علی‌رضا ملاحمدی؛ کارشناس حوزه فلسفه تطبیقی